

## مبارزه طبقاتی یا رفرمیستی؟

فرهاد ابراهیمی

سه شنبه ۱۳ اسفند ۱۳۸۷

این وظیفه اصلی جنبش زنان کارگر است که نه فقط برای برابری تشریفاتی و ظاهری، بلکه برای تساوی اقتصادی و اجتماعی زنان مبارزه کند. مسئله اصلی آن است که "زنان در کار تولیدی اجتماعی شرکت داده شوند، از "بردگی خانگی" رهائی یابند، و از انقیاد تحقیر کننده و حماقت آور جان کندن ابدی در آشپزخانه و شیر خوارگاه آزاد گردند." "لنین" مجموعه آثار لنین، جلد ۳۰

همچنان که شاهد هستیم بحران نظام سرمایداری در اقصی نقاط جهان بیکاری، فقر، جنگ و هزاران مصیبت دیگر را برای کارگران و زحمتکشان جامعه به ارمغان آورده و این توده زحمتکش است که باید تاوان بحران نئولیبرالیسم و حامیان آن را بپردازد و در این میان طبعا زنان کارگر نیز به عنوان بخشی از جامعه این فشار را بیشتر از پیش متحمل میشوند و نیروی کار آنان ارزان تر از دیروز خریده میشود. طبقه کارگر و توده زحمت کش روز به روز کمرش زیر فشار سرمایداری افسار گسیخته شکسته تر میشود، زنان و مردان کارگر در وضعیت معیشتی خطرناکی به سر میبرند و از ابتدایی ترین حقوق خود که یک زندگی انسانی است محرومند، و در این میان زنان از هجوم سرمایه به سفره هایشان آسیب پذیرترند. زنان ایرانی نیز از تعرض سیستم مرد سالارانه ی بورژوازی در امان نبوده و در ازای کار برابر با مردان دستمزد کمتری دریافت میکنند، از انتخاب پوشش مورد علاقه خویش بی بهره اند، نصف مردان ارث برده، حق طلاق ندارند، زمانی که از شوهر جدا میشوند هیچ حقی در مورد نگهداری از فرزندان ندارند، بدون اجازه پدر و مادر حق ازدواج ندارند، اختیار مسافرت و کار کردن ندارند و به بیگاری و کار رایگان در خانه گماشته میشوند و این سیستم مردسالاری عموما زنان را موجوداتی ضعیف و ناقص تلقی کرده که باید به بچه داری و آشپزی بپردازند. همه اینها تنها بخشی از بی حقوقی و شرایط اسفبار زنان در ایران است. حتی اگر این دست ستم، که بر زندگی زنان سنگینی میکند کاملا رفع شود در این حالت نیز هنوز اکثریت زنان همچون بخشی از طبقه کارگر، ستم طبقاتی و بردگی مزدی را به دوش میکشند.

زنان کارگر تبعیضات مضاعفی را متحمل شده، که با مشارکت در تولید مادی اجتماعی این تبعیضات به صورت نسبی از بین رفته و دست و پایشان از قید خرافه و جهل آزاد شده، اما کماکان ستم طبقاتی بر زندگی آنان حکم فرماست. در حال حاضر دو تفکر با دورویکرد و استراتژی متفاوت (مارکسیزم و فمینیسم) سعی دارند ستم علیه زنان را رفع کنند. فمینیسم زنان را یک گروه جداگانه در جامعه توصیف میکند که مشکلات و ستمهای وارده بر آنان را صرفا مسئله خود زنان دانسته و مردان را عامل ستم بر زن و وضعیت وخیم زنان میداند. فمینیست ها در حالیکه از ستم بر زن در جامعه مرد سالارانه سخن می رانند به دلیل نداشتن دید طبقاتی توانایی تشخیص علل این نابرابری را نداشته و در نتیجه دست به نسخه پیچی های رفرمیستی میزنند، در خوش بینانه ترین حالت مبارزه فمینیست ها و رفرمیست ها میتوان به وضعیت زنان اروپایی اشاره کرد که با پرچم دفاع از زنان، فیگور آزادی و احقاق حقوق زنان میگیرند در

حالی که تعداد زیادی از زنان اروپایی از دستمزد کمتری نسبت به مردان برخوردارند، در سیاست نقش چندانی را بازی نمیکنند و در فعالیت های تولیدی نیز مشارکت ضعیفی تری به عمل می آورند.

اگرشاهکار، غالب شدن دیدگاه های فمینیست هاورفرمیست های بورژوایی را بر تفکر بشرنظاره گرباشیم عملا پیداست که زنان در دیسکو هامشغول تن فروشی و در تبلیغات های تلویزیونی باعریان کردن بدن خود برای کالاها بازارگرمی میکنند. اما در تقابل با اندیشه فمینیستی، مارکسیزم ستم بر زن را همگام و همزاد با مالکیت خصوصی و جامعه طبقاتی می پندارد و زن زمانی که در تقسیم کار از مرد جدا شد و مرد به شکار پرداخت و وی خانه داری و بچه داری پیشه کرد، موقعیت زن تغییر کرد و زیر آماج ستمها قرار گرفت. با بینش مارکسیستی اگر به مسئله بنگریم زنان در شکاف طبقاتی به طبقه بورژوا یا پرولتر تعلق دارند و همیشه زنان طبقه کارگر و زحمتکش قربانی جنگ، فقر، فحشا، اعتیاد و ضربه های طاقت فرسای بحران سرمایه داری میشوند در حالی که زنان بورژوا نه تنها قربانی نشده، بلکه بعضا مصیبت این فجایع بوده و هستند.

هنگامی که در جامعه طبقاتی موقعیت زنان توسط تقسیم کار اجتماعی تعیین میشود و زن به عنوان یک ابزار برای بر طرف کردن میل جنسی و در ایران اکثرا زن در کنج آشپزخانه قرار میگیرد ناگزیر باید تقسیم کار را تغییر داد و زن در تولید مادی اجتماعی به عنوان یک عنصر نه کمتر از مرد نه بیشتر از آن خود را دخیل کند. بر خلاف دیدی که در میان فمینیست ها رایج است مسئله زنان مسئله ای روبنایی نیست بلکه زیر بنایی است.

تبعیض جنسی، خشونت علیه زنان و تبدیل نیروی کارزنان به یک نیروی ارزان، باعث وبانی همه اینها سیستم اجتماعی اقتصادی سرمایه داریست از این رو راه رهایی زنان کارگرو زحمتکش از قید و بند این نابرابری ها مبارزه طبقاتیست که زن و مرد دوش به دوش هم با براندازی این نظام جامعه ای بدون طبقه وبدون تبعیض نژادی و جنسی میسازند. مارکسیست ها علت این نابرابری ها را در عدم استقلال مالی زنان جستجو کرده و تنها راه رهایی زن را شرکت کردن در تولید مادی اجتماعی و استقلال مالی زنان میدانند. زمانی که زن به مرد وابسته نباشد و بتواند زندگی خویش را اداره کند الزامی نیست در برابر خشونت و تبعیض و نابرابری سکوت اختیار کند و مطیع مرد باشد.

مارکسیست ها منافع زنان طبقه کارگر را در ادامه مبارزه سوسیالیستی دوشا دوش مردان کارگر برای از بین بردن استثمار میدانند. تنها راه برچیدن بساط مردسالاری، ستم جنسی و طبقاتی علیه زنان، تغییر سیستم اجتماعی اقتصادی سرمایه داری به سوسیالیستی است. با این تصویر از وضعیت زنان کارگردر جامعه طبقاتی، زنان اگر درصدد رسیدن به آزادی و برابری هستند می بایست متشکل شده و خود را در تشکل های کارگری که مشغول مبارزه با چشم اندازهای سوسیالیستی هستند سازمان دهند. زنان زیر دست میبایست با هوشیاری از همسویی با جریانات بورژوایی و نسخه های اصلاح طلبانه که مبارزاتشان را به سمت رفرفرم و سازش با سرمایه سوق میدهد خود را بر حذر دارند. بردگان مزدی تنها با اتکا به نیروی خود و پراتیک انقلابی میتوانند وضع موجود را تغییر دهند. ۸ مارس به عنوان روزی برای اعتراض نسبت به بی حقوقی زنان و جنس دوم شدن آنان در جوامع سرمایه داری است این روز دستاورد هزاران زن و مرد چپ و کمونیست است، که با جانبازی در برابر زندان و شکنجه تا آخرین نفسهایشان مقاومت کردند وشعارزنده باد سوسیالیزم سردادند. **پیش به سوی برگزاری ۸ مارس سرخ/ زنده باد همبستگی طبقاتی کارگران**